



Iranian journal of management sciences (IJMS)
Journal homepage: <http://journal.ijms.ir/>

Original Article

Institutional Mechanisms for Promoting Entrepreneurship in Iran's Startup Ecosystem: A Commonsian Analysis of Conflict, Dependence, and Order

Asef Karimi¹
Hamidreza Yazdani²
Mahmoud Motvaseli³
Yaghoub Zahedi Anbardan^{4*}

Abstract

Introduction: Despite the remarkable quantitative growth of Iran's startup ecosystem over the past decade, it continues to face low survival rates and slow scale-up among new ventures — a paradox that existing literature, relying mainly on descriptive ecosystem frameworks (e.g., Isenberg or Stam) or new institutionalist approaches, has been unable to explain at the mechanism level. This study aims to identify the institutional mechanisms for entrepreneurship development in Iran's startup ecosystem within the framework of John R. Commons's (1934) transactional theory — a framework that, unlike its theoretical rivals, integrates the three dimensions of conflict, dependency, and order simultaneously within the transaction as the unit of analysis.

Method: This study employed a qualitative approach using reflexive thematic analysis (Braun & Clarke, 2022). Data were collected through 18 semi-structured interviews

Received: April. 21, 2026

Accepted: June. 21, 2026

¹ Associate Prof., Department of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran.

² Associate Professor, Department of Management, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

³ Full Professor, Department of economics, university of Tehran, Tehran, Iran.

⁴ PhD Student, Department of Management and Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran.
(Corresponding Author). E-mail yzahedi@ut.ac.ir

with five categories of key participants — founders, venture capitalists, accelerator managers, policymakers, and ecosystem researchers — and validated through triangulation with secondary sources (GEM, 2023; IRVC, 2024; StartupBlink, 2023). The coding process, from open codes through axial codes to themes, was documented transparently and cross-checked by two independent coders on 20% of the data, yielding a Cohen's kappa of 0.78. Deviant cases inconsistent with the dominant pattern were also identified and reported as part of the reflexive analytic procedure.

Findings: Analysis of 283 initial codes, 54 axial codes, and 16 themes revealed four overarching categories: (1) multilayered institutional conflicts, including chronic licensing ambiguity, asymmetric competition with state-affiliated actors, and inter-ministerial jurisdictional conflict; (2) an asymmetric dependency network, featuring the novel finding of a "hidden mutual dependency" of the state on the digital ecosystem that remains unacknowledged despite its economic significance; (3) a hybrid normative order, in which strong informal working rules have substituted for weak formal institutions but simultaneously create a "scalability ceiling"; and (4) eight institutional upgrading mechanisms operating at the micro, meso, and macro levels, whose convergence with existing quantitative evidence (e.g., Alves & Fischer's 2024 findings on regulatory ambiguity) was confirmed.

Conclusion: Iran's startup ecosystem is caught in an "institutional trap" arising from the interaction of three simultaneous pathologies — conflict, hidden dependency, and a substitute order with a growth ceiling. The findings indicate that this trap cannot be resolved by a single-point reform of one rule or institution; the proposed upgrading mechanisms, ranging from regulatory sandboxes to joint public–private committees, must intervene simultaneously at multiple points to break the trap's self-reinforcing cycle. By introducing the "hidden mutual dependency" finding and the empirical "scalability ceiling" threshold, this study offers a theoretical contribution that goes beyond the existing descriptive ecosystem literature.

Keywords: Commonsian institutional economics; entrepreneurial ecosystem; working rules; institutional void; Iran; qualitative research.

How to Cite : Zahedi Anbardan,Y , Karimmi,A , Yazdani,H and Motvaseli,M . (2026). Institutional Mechanisms for Promoting Entrepreneurship in Iran's Startup Ecosystem: A Commonsian Analysis of Conflict, Dependence, and Order. (e469). *Iranian journal of management sciences*, 21(1),121-134.(in persian).



Copyright: © 2026 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



نوع مقاله: پژوهشی

مکانیزم‌های نهادی ارتقای کارآفرینی در اکوسیستم استارت‌آپی ایران: تحلیلی کامونزی از تضاد، وابستگی و نظم

آصف کریمی^۱
حمیدرضا یزدانی^۲
محمود متوسلی^۳
یعقوب زاهدی آنباردان^{۴*}

چکیده

هدف: با وجود رشد کمی چشمگیر اکوسیستم استارت‌آپی ایران در دهه اخیر، اکوسیستم مذکور همچنان با نرخ بقای پایین و کندی مقیاس‌پذیری بنگاه‌های نوپا مواجه است؛ پارادوکسی که ادبیات موجود، عمدتاً با اتکا به چارچوب‌های توصیفی اکوسیستم (نظیر ایزنبرگ یا استم) یا رویکردهای نهادگرایی نو، قادر به تبیین سازوکار درونی آن نبوده‌اند. پژوهش حاضر با هدف شناسایی مکانیزم‌های نهادی ارتقای کارآفرینی در اکوسیستم استارت‌آپی ایران، در چارچوب نظریه تراکنشی جان آر. کامونز (۱۹۳۴) انجام شده است؛ چارچوبی که برخلاف رقبای نظری خود، سه بُعد تضاد، وابستگی و نظم را هم‌زمان در واحد تحلیل تراکنش ادغام می‌کند.

روش: این پژوهش از رویکرد کیفی با روش تحلیل مضمونی بازتابی (Braun & Clarke, 2022) بهره گرفته است. داده‌ها از طریق ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با مشارکت‌کنندگان کلیدی پنج‌گانه (بنیان‌گذاران، سرمایه‌گذاران خطرپذیر، مدیران شتاب‌دهنده، سیاست‌گذاران و پژوهشگران اکوسیستم) گردآوری و با مثلث‌سازی از منابع ثانویه (GEM, 2023؛ IRVC, 2024؛ StartupBlink, 2023) اعتبارسنجی شد. فرایند کدگذاری از کد باز تا کد

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۳۱

۱. دانشیار، گروه مدیریت و حسابداری، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران.

۲. دانشیار، دانشکده مدیریت، گروه مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استاد تمام، دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴. دانشجو دکتری کارآفرینی، گروه مدیریت و حسابداری، دانشکده‌گان فارابی، دانشگاه تهران، قم، ایران. (نویسنده مسئول): E-Mail:

yzahedi@ut.ac.ir

محوری و مضمون به صورت مستند طی و در ۲۰٪ داده‌ها توسط دو کدگذار مستقل بازبینی شد؛ ضریب توافق کاپای کوهن برابر ۰.۷۸ به دست آمد. موارد انحرافی ناهمسو با الگوی غالب نیز به عنوان بخشی از رویه تحلیل بازتابی شناسایی و گزارش شدند.

یافته‌ها: تحلیل ۲۸۳ کد اولیه، ۵۴ کد محوری و ۱۶ مضمون، چهار مقوله فراگیر را آشکار کرد: (۱) تضادهای نهادی چندلایه شامل بلا تکلیفی مزمن مجوزدهی، رقابت نامتقارن با بازیگران دولتی، و تعارض صلاحیتی بین وزارتخانه‌ای؛ (۲) شبکه وابستگی نامتقارن با یافته نوآورانه «وابستگی متقابل پنهان» دولت به اکوسیستم دیجیتال که علی‌رغم اهمیت اقتصادی‌اش به رسمیت شناخته نمی‌شود؛ (۳) نظم هنجاری ترکیبی که در آن قواعد کارکردی غیررسمی قوی جایگزین نهادهای رسمی ضعیف شده‌اند اما در بلندمدت «سقف مقیاس‌پذیری» ایجاد می‌کنند؛ و (۴) هشت مکانیزم ارتقای نهادی در سه سطح خرد، میانی و کلان که هم‌گرایی آن‌ها با شواهد کمی موجود (نظیر یافته‌های آبادیو و آگیاپونگ، ۲۰۲۳، درباره ابهام تنظیم‌گری) تأیید شد.

نتیجه‌گیری: اکوسیستم استارت‌آپی ایران در یک «دام نهادی» گرفتار است که از تعامل سه آسیب‌شناسی هم‌زمان تضاد، وابستگی پنهان، و نظم جایگزین با سقف رشد پدید آمده است. یافته‌ها نشان می‌دهند این دام را نمی‌توان با اصلاح نقطه‌ای یک قاعده یا نهاد گشود؛ مکانیزم‌های ارتقای پیشنهادی، از Sandbox قانونی تا کمیته‌های مشترک دولت بخش خصوصی، باید به صورت هم‌زمان و از چندین نقطه مداخله کنند تا حلقه بازتولید دام نهادی بشکنند. این پژوهش با معرفی یافته «وابستگی متقابل پنهان» و آستانه تجربی «سقف مقیاس‌پذیری»، سهمی نظری فراتر از ادبیات توصیفی موجود اکوسیستم به بار می‌آورد.

کلیدواژه‌ها: اقتصاد نهادی کامونز؛ اکوسیستم کارآفرینی؛ قواعد کارکردی؛ خلأ نهادی؛ اکوسیستم استارت‌آپی ایران؛ تحلیل مضمونی

استناددهی: زاهدی آنباردان، یعقوب، کریمی، آصف، یزدانی، حمیدرضا و متوسلی، محمود. (۱۴۰۵). مکانیزم‌های نهادی ارتقای کارآفرینی در اکوسیستم استارت‌آپی ایران: تحلیلی کامونزی از تضاد، وابستگی و نظم. فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۲۱(۱)، ۱۲۱-۱۳۴.



۱. مقدمه

اکوسیستم استارت‌آپی ایران با یک پارادوکس توسعه‌ای روبروست: رتبه ۴۸ در برون‌داد نوآوری جهانی، در برابر رتبه ۱۰۹ در درون‌داد — یک شکاف ۶۱ پله‌ای که با هیچ توضیح عاملی ساده‌ای قابل درک نیست (WIPO, 2025). از سویی، ۳۷.۸۵ درصد از جمعیت بزرگسال کشور قصد کارآفرینی دارند (رتبه یازدهم جهانی)، و از سوی دیگر، شاخص محیط کارآفرینی (NECI) در سال ۲۰۲۳ به پایین‌ترین سطح در میان ۴۹ اقتصاد GEM رسید ۲.۸ از ۱۰ (GEM, 2023).

توضیح جریان اصلی اقتصاد نئوکلاسیک (بازار کارآمد نیست) بسیار کلی، و توضیح رایج سیاست‌گذاری (قوانین بد است) بسیار سطحی است. این مقاله رویکرد متفاوتی پیشنهاد می‌کند: اکوسیستم استارت‌آپی ایران در یک «دام نهادی» گرفتار است که از تعامل سه آسیب‌شناسی هم‌زمان پدید آمده و این سه آسیب‌شناسی دقیقاً همان چیزی هستند که جان آر. کامونز در سال ۱۹۳۴ با مفاهیم «تضاد»، «وابستگی» و «نظم» توصیف کرده بود.

کامونز (۱۹۳۴) با قرار دادن «تراکنش» نه فرد و نه کالا به‌عنوان واحد تحلیل اقتصادی، چارچوبی ساخت که در آن هر کنش اقتصادی هم‌زمان حامل تضاد (منافع ناسازگار)، وابستگی (نیاز متقابل)، و نظم (قواعد کارکردی حاکم) است. این چارچوب تراکنشی برای تحلیل اکوسیستم‌هایی مثل ایران که در آن نهادهای رسمی ضعیف، قواعد غیررسمی قوی، و روابط قدرت نامتقارن هستند از برتری تحلیلی برخوردار است. پرسش اصلی این پژوهش این است: چه مکانیزم‌های نهادی در چارچوب سه‌گانه تضاد، وابستگی و نظم کامونزی می‌توانند کارآفرینی را در اکوسیستم استارت‌آپی ایران ارتقا دهند؟ این پرسش از آن جهت اهمیت دارد که پاسخ‌های موجود یا در سطح توصیف مشکل هستند (مقدسی & احمدوند، ۱۴۰۲؛ خداحلی، سردار، امین موسوی، & محمدزاده اصل، ۱۴۰۴) یا در سطح الگوبرداری از مدل‌های خارجی بدون توجه به منطق درونی نهادی ایران.

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

نظریه‌های نهادی رقیب: از سنت قدیم تا رویکردهای رایج: در نظریه‌پردازی نهادی، دست‌کم چهار سنت نظری می‌توانستند مبنای این پژوهش قرار گیرند. در ادامه این سنت‌ها به ترتیب تاریخی، از قدیم‌ترین تا رویکردهای رایج امروزی، به‌صورت خلاصه معرفی و نقد می‌شوند تا زمینه‌گزینش چارچوب کامونزی روشن شود.

الف) نهادگرایی سنتی وبلن، (۱۸۹۹)؛ کامونز اولیه، (۱۹۲۴). این سنت نهاد را «عادت فکری جمعی» می‌داند، نه صرفاً مجموعه‌ای از قواعد رسمی، و نقطه قوت آن توجه جدی به قدرت، تعارض منافع و کنش جمعی است. اما ابزار تحلیلی دقیقی برای سطح خرد تراکنش‌های روزمره اقتصادی ارائه نمی‌دهد و بیشتر در سطح توصیف کلان باقی می‌ماند.

ب) نهادگرایی نو / اقتصاد هزینه تراکنش نورث (۱۹۹۰). نهادها را «قواعد بازی» تعریف می‌کند که با کاهش هزینه تراکنش، کارایی اقتصادی را افزایش می‌دهند. نقطه قوت این رویکرد دقت تحلیلی و قابلیت اندازه‌گیری است، اما ضعف آن برای بستر این پژوهش این است که نهادهای رسمی (حقوق مالکیت،

اجرای قرارداد) را محور تحلیل قرار می‌دهد و وابستگی نامتقارن قدرت میان دولت و بازیگران خصوصی را متغیری برون‌زا می‌بیند، نه جزئی ذاتی از خود تراکنش.

پ) نظریه سیستمی و رابطه‌ای اکوسیستم کارآفرینی ایزنبرگ، (۲۰۱۰)؛ استم، (۲۰۱۵)؛ اسپیکل، (۲۰۲۲)؛ ورث و همکاران، (۲۰۲۲) این رویکرد در نقشه‌برداری عناصر اکوسیستم (سرمایه، بازار، فرهنگ، سیاست‌گذاری، استعداد) بسیار قدرتمند است و بیشترین حجم پژوهش‌های اخیر را به خود اختصاص داده. اما همان‌طور که در بخش ۳-۲ نشان داده می‌شود، این ادبیات «تضاد» را به‌عنوان موتور نهادسازی نادیده می‌گیرد و بیشتر توصیفی است تا تبیینی.

ت نظریه وابستگی و شبکه دیجیتال آتیو و همکاران، (۲۰۲۱)؛ توماس و ریتالا، (۲۰۲۲) وابستگی را عمدتاً یک‌سویه، از استارت‌آپ به پلتفرم یا نهاد تنظیم‌گر، تحلیل می‌کند. این رویکرد برای تبیین وابستگی متقابل پنهان دولت به اکوسیستم دیجیتال که یافته محوری این پژوهش است چارچوب نظری کافی ندارد، چون جهت وابستگی را از پیش یک‌طرفه فرض می‌کند.

جدول ۱. مقایسه تطبیقی نظریه‌های نهادی رقیب

Table 1. Comparative comparison of competing institutional theories

نظریه	مفروض بنیادین	نقطه قوت	نقطه ضعف در بستر این پژوهش
نهادگرایی سنتی (وبلن/کامونز اولیه)	نهاد = عادت فکری جمعی	توجه به قدرت و تعارض	فاقد ابزار تحلیلی سطح خرد تراکنش
نهادگرایی نو (نورث)	نهاد = قواعد بازی رسمی	دقت تحلیلی و قابلیت سنجش	تضاد و وابستگی قدرت را برون‌زا می‌بیند
نظریه اکوسیستم (ایزنبرگ/استم/اسپیکل)	اکوسیستم = عناصر به‌هم‌پیوسته	نقشه‌برداری جامع عناصر	تضاد را موتور نهادسازی نمی‌بیند؛ توصیفی است
وابستگی/شبکه دیجیتال (آتیو و همکاران؛ توماس و ریتالا)	وابستگی = رابطه یک‌سویه ضعیف → قوی	تبیین دقیق وابستگی ساختاری	وابستگی متقابل پنهان طرف قدرتمند را صورت‌بندی نمی‌کند
نظریه تراکنشی کامونز (این پژوهش)	تراکنش = واحد تحلیل حامل تضاد+وابستگی+نظم توأمان	ادغام سه بُعد در یک واحد تحلیل	چارچوب برگزیده این پژوهش

همان‌گونه که جدول ۱ نشان می‌دهد، تنها چارچوب کامونزی هر سه بُعد تضاد، وابستگی و نظم را هم‌زمان و در یک واحد تحلیل (تراکنش) ادغام می‌کند؛ ویژگی‌ای که هیچ‌یک از سه رویکرد رقیب به‌تنهایی ندارد. دلیل روش‌شناختی این گزینش در بخش ۳ (روش‌شناسی) با جزئیات بیشتری بسط داده می‌شود.

نظریه تراکنشی کامونز: جان آر. کامونز (۱۹۳۴) بنیادی‌ترین نوآوری خود را جایگزینی «فرد» با «تراکنش» به‌عنوان واحد تحلیل اقتصادی دانست. تراکنش در نگاه کامونز هر کنش متقابل بین دو یا چند کنش‌گر است که قواعد کارکردی آن را تنظیم می‌کنند. این تعریف سه پیامد نظری مهم دارد: تراکنش ذاتاً رابطه‌ای است؛ قدرت در آن نقش دارد؛ و قواعد آن را هدایت می‌کنند (Hodgson, 2003; Chavance, 2012).

کامونز سه نوع تراکنش تمیز داد: چانه‌زنی (میان برابری حقوقی - انتقال مالکیت)، مدیریتی (میان مافوق-مادون-انتقال کنترل)، و جیره‌بندی (از طریق کنش جمعی - توزیع بار و مزایا). هر سه نوع در اکوسیستم استارت‌آپی ایران قابل ردیابی‌اند: قرارداد سرمایه‌گذاری (چانه‌زنی)، رابطه نهاد تنظیم‌گر-استارت‌آپ (مدیریتی)، و قانون‌گذاری درباره کسب‌وکار دیجیتال (جیره‌بندی).

مرکزی‌ترین مفهوم نظریه کامونز «قواعد کارکردی» (Working Rules) است: مجموعه‌ای از دستورالعمل‌های رسمی، شبه‌رسمی و غیررسمی که از طریق کنش جمعی وضع می‌شوند و به بازیگران می‌گویند چه می‌توانند، چه نمی‌توانند، چه باید و چه نباید انجام دهند. هانرکسون و سانانداجی (۲۰۲۰) نشان دادند که «قواعد کارکردی» - دقیقاً مفهوم کامونزی - تعیین‌کننده اصلی کارآفرینی با رشد بالاست. این چارچوب در دهه اخیر احیای قابل‌توجهی داشته است (Takahashi, 2024; Hähnlein & Baum, 2026).

ادبیات اکوسیستم کارآفرینی و خلأهای آن: ادبیات اکوسیستم کارآفرینی از مدل شش‌دامنه‌ای ایزنبرگ (۲۰۱۰) از طریق چارچوب سیستمی استم (۲۰۱۵) تا رویکرد رابطه‌ای اسپینگل (۲۰۲۲) تکامل یافته است. ورث، استم و اسپینگل (۲۰۲۲) در مروری نظام‌مند بر ۱۸۱ مطالعه، پنج مکانیزم علی شناسایی کردند. با این حال این ادبیات سه خلأ اساسی دارد: «تضاد» به‌عنوان موتور نهادسازی نادیده گرفته می‌شود؛ عدم‌تقارن قدرت در روابط وابستگی مغفول است؛ و «نظم ترکیبی» نظریه‌پردازی نشده. چارچوب کامونزی این سه خلأ را پر می‌کند. در حوزه ایران، مقدسی و احمدوند (۱۴۰۲) موانع نهادی VC را مستند کردند؛ خداقلی و همکاران (۱۴۰۴) فرصت‌ها و تهدیدهای اکوسیستم را شناسایی کردند. اما هیچ پژوهشی سطح مکانیزم‌شناختی یعنی «چرایی» و «چگونگی» عملکرد نهادها در تراکنش‌های واقعی اکوسیستم را پوشش نداده است. این پژوهش در صدد پر کردن این خلأ است.

پیشینه پژوهش تجربی: پاسخ‌های موجود به سوالات پژوهش: این بخش پیشینه پژوهش تجربی را، متناظر با سه‌گانه پرسش پژوهش (تضاد، وابستگی، نظم)، به‌صورت مستند مرور می‌کند تا خلأ دقیق این مطالعه در برابر شواهد موجود روشن شود. ر حوزه تضادهای نهادی آبادی و آگیاپونگ (۲۰۰۳) در بررسی ۲۵ کشور آفریقایی نشان دادند ابهام تنظیم‌گری (چرخه ابهام) در این اقتصادها به‌طور معناداری شدیدتر از اقتصادهای توسعه‌یافته است. شواهد تجربی ژو و همکاران (۲۰۲۱) از سایر اقتصادهای نوظهور نشان می‌دهند مداخله دولت می‌تواند به‌جای تقویت، سرمایه‌گذاری نوآورانه بخش خصوصی را جابه‌جا کند. در ایران، مقدسی و احمدوند (۱۴۰۲) موانع نهادی سرمایه‌گذاری خطرپذیر را در سطح سیاست‌گذاری کلان مستند کردند، اما سازوکار میانجی یعنی این‌که این موانع چگونه در تراکنش‌های روزمره میان بازیگران بازتولید می‌شوند را باز نگذاشتند.

در حوزه وابستگی آتیو، مودامبی و یو (۲۰۲۱) و توماس و ریتاللا (۲۰۲۲) وابستگی پلتفرمی را از زاویه بنگاه‌های کوچک به پلتفرم‌های بزرگ صورت‌بندی کردند؛ سوسان و آکز (۲۰۱۷) این چارچوب را به اکوسیستم‌های کارآفرینی دیجیتال تعمیم دادند. اما در هیچ‌یک از این مطالعات جهت معکوس وابستگی یعنی تکیه ساختاری نهاد قدرتمندتر (دولت) به بازیگر ضعیف‌تر (اکوسیستم) بررسی نشده است. خداقلی و همکاران (۱۴۰۴) در پیمایش فرصت‌ها و تهدیدهای اکوسیستم ایران، به وابستگی متقابل اشاره‌ای گذرا کردند اما آن را نظریه‌پردازی نکردند.

در حوزه نظم هانلین و باوم (۲۰۲۶) مفهوم «نظم متقابل» را در اقتصادهای دارای نهاد رسمی ضعیف بسط دادند و نشان دادند این نظم در کوتاه‌مدت کارآمد اما در بلندمدت مانع نهادسازی رسمی است. ولتر و بیکر (۲۰۲۳) با مفهوم «زمینه‌مندی نظم کارآفرینی» بستر را برجسته کردند. هیچ‌یک از این مطالعات یک آستانه تجربی مشخص — نقطه‌ای که پس از آن نظم غیررسمی برای رشد کافی نیست — را اندازه‌گیری نکرده‌اند؛ خلأیی که یافته «سقف مقیاس‌پذیری». در مجموع، پیشینه موجود یا در سطح توصیف مشکل باقی می‌ماند (مقدسی & احمدوند، ۱۴۰۲)؛ (خداقلی و همکاران، ۱۴۰۴) یا با الگوبرداری از مدل‌های خارجی، سازوکار درونی نهادی ایران را در سطح تراکنش‌های واقعی نمی‌پوشاند. این پژوهش دقیقاً در همین سطح مکانیزم‌شناختی وارد می‌شود؛ پرسش اصلی پژوهش (بخش ۱) را می‌توان مستقیماً با این سه ردیف پیشینه تطبیق داد.

۳. روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش در پارادایم برساخت‌گرایی اجتماعی (Creswell & Poth, 2018) قرار دارد و از رویکرد کیفی با روش تحلیل مضمونی بازتابی (RTA) بهره می‌گیرد (Braun & Clark, 2022). RTA به‌جای ادعای ظهور خودبه‌خودی مضامین، صادقانه اعلام می‌کند که مضامین محصول «فرآیند تفسیری فعال محقق» هستند که همسو با پارادایم برساخت‌گرایی است.

دلیل روش‌شناختی‌گزینش نظریه کامونز. چنان‌که در بخش ۱-۲ نشان داده شد، سه رویکرد رقیب یعنی نهادگرایی نو، نظریه اکوسیستم، و نظریه وابستگی/شبکه هر یک تنها یکی از ابعاد تضاد، وابستگی یا نظم را پوشش می‌دهند. از آنجا که پرسش پژوهش (بخش ۱) صریحاً هر سه بُعد را هم‌زمان مطرح می‌کند، تنها چارچوبی که واحد تحلیل مشترکی (تراکنش) برای هر سه بُعد فراهم می‌کند (نظریه کامونز) می‌توانست بدون تقطیع مصنوعی پدیده، پاسخ‌گوی این پرسش باشد. این انتخاب هم‌راستا با پارادایم برساخت‌گرایانه پژوهش نیز هست، چرا که کامونز نیز، همانند برساخت‌گرایی، قواعد نهادی را برساخته‌کنش جمعی می‌داند، نه واقعیتی از پیش‌داده.

مشارکت‌کنندگان: نمونه‌گیری هدفمند نظری (Patton, 2015) راهنمای انتخاب ۱۸ مشارکت‌کننده کلیدی از پنج گروه بود (جدول ۱). معیار توقف، اشباع نظری بود (Saunders, Sim & Kingstone, 2018) که در مصاحبه چهاردهم حاصل شد و مصاحبه‌های ۱۵ تا ۱۸ برای تأیید اشباع انجام پذیرفتند. مجموع زمان مصاحبه‌ها ۱۳۵۰ دقیقه (میانگین ۷۵ دقیقه) بود.

جدول ۲. پروفایل مشارکت‌کنندگان پژوهش

Table 2. Research participants profile

کد	نقش	گروه	شهر	ویژگی برجسته
P01-P06, P17, P18	بنیان‌گذار (۸ نفر)	بنیان‌گذاران	تهران، اصفهان، کرج	فین‌تک، ادتک، سلامت، لجستیک، کریپتو، B2B, AgriTech
P07-P09	مدیر صندوق VC (۳ نفر)	سرمایه‌گذاران	تهران، مشهد	سال سابقه؛ ۱۰-۱۲+ پرتفوی ۳۰
P10-P12	مدیر شتاب‌دهنده (۳ نفر)	شتاب‌دهنده‌ها	تهران، شیراز	سال؛ ۵-۷+۸۰ استارت‌آپ پرتفوی
P13-P14	سیاست‌گذار (۲ نفر)	سیاست‌گذاران	تهران	معاونت علمی، سازمان ICT
P15-P16	پژوهشگر/مشاور (۲ نفر)	متخصصان	تهران	دکترای اقتصاد نهادی؛ مطالعه طولی

گردآوری و تحلیل داده: مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته بر اساس پروتکلی سازمان‌یافته حول سه‌گانه کامونزی طراحی شدند. تکنیک رویداد بحرانی (Flanagan, 1954) در بخش تضاد گنجانده شد. تحلیل در شش مرحله RTA با نرم‌افزار MAXQDA 2024 انجام شد: آشنایی با داده‌ها، کدگذاری باز (۲۸۳ کد اولیه)، کدگذاری محوری (۵۴ کد)، شناسایی مضامین (۱۶ مضمون)، بازبینی و نام‌گذاری، و گزارش‌نویسی. قابلیت اعتماد از طریق مثلث‌سازی منبع (مصاحبه × داده‌های ثانویه)، کدگذاری دونفره (K = ۰.۷۸) در ۲۰٪ داده‌ها، و بازبینی مشارکت‌کنندگان (Member Checking) تأمین شد (Lincoln & Guba, 1985).

۴. تحلیل داده‌ها و یافته‌ها

فرایند تحلیل: از کد باز تا مضمون: پیش از گزارش مضامین، این بخش مسیر واقعی تحلیل داده‌ها را از گفته خام مشارکت‌کننده تا مضمون نهایی با دو نمونه مستند نشان می‌دهد تا شفافیت فرایند کدگذاری، مطابق رویه تحلیل مضمونی بازتابی (Braun & Clarke, 2022)، تأمین شود.

نمونه مسیر کدگذاری (تضاد): گفته خام مشارکت‌کننده P01 (بانک مرکزی نمی‌گوید نه صریح... این بلا تکلیفی از رد صریح بدتر است) در مرحله کدگذاری باز به کد اولیه «تعلیق تصمیم بدون پاسخ رسمی» تخصیص یافت. این کد در کنار ۹ کد مشابه از P03، P08 و P11 در مرحله کدگذاری محوری در کد محوری «بلا تکلیفی نهادی» ادغام شد. کد محوری اخیر، به همراه دو کد محوری دیگر («تعارض صلاحیتی» و «رقابت نامتقارن»)، در مرحله شناسایی مضامین به مضمون فراگیر «تضادهای نهادی چندلایه» (۲-۴) تبدیل شد.

نمونه مسیر کدگذاری (وابستگی): گفته خام مشارکت‌کننده P06 (دولت به اقتصاد دیجیتال وابسته است... اما این وابستگی هرگز در استدلال سیاست حمایتی نمی‌آید) ابتدا کد باز «انکار وابستگی ساختاری دولت» گرفت؛ این کد با کدهای مشابه از P13 و P09 در کد محوری «شکاف de facto/de jure» ترکیب شد و در مرحله بازبینی، هسته مضمون نوظهور «وابستگی متقابل پنهان» (۳-۴) نام‌گذاری شد.

نام‌گذاری نهایی در دو دور بازبینی توسط دو کدگذار مستقل انجام و در ۲۰٪ داده‌ها با کاپای کوهن ۰.۷۸ تأیید شد.

این مسیر برای هر ۱۶ مضمون به همین شیوه مستند و در نرم‌افزار MAXQDA 2024 ردیابی‌پذیر نگاه داشته شد؛ نمودار درختی کامل کدها در پیوست پژوهش قابل ارائه به داوران است.

تضادهای نهادی چندلایه: پرتکرارترین مضمون در کدگذاری (۹۸ کد از ۱۸ مصاحبه) تضادهای نهادی بود که در پنج نوع اصلی بازنمایی شدند. مهم‌ترین یافته این بخش: «بلا تکلیفی مزمن» — نه تأیید و نه رد، بلکه تعلیق ابدی — گران‌ترین نوع تضاد است. ۱۵ از ۱۸ مشارکت‌کننده این پدیده را محوری‌ترین مانع دانستند. آبایدو و آگیاپونگ (۲۰۰۳) این را «چرخه ابهام» نامیدند و نشان دادند در اقتصادهای در حال توسعه بیشتر است.

«بانک مرکزی نمی‌گوید «نه» صریح. می‌گوید «بله» ولی مجوز نمی‌دهد. ما سال ۹۷ یک محصول داشتیم که دو سال در بلا تکلیفی گذشت. این بلا تکلیفی از رد صریح بدتر است — چون نمی‌توانی برنامه‌ریزی کنی.» (P01 — بنیان‌گذار فین‌تک)

تضاد دوم، رقابت نامتقارن با بازیگران دولتی، در ۱۶ از ۱۸ مصاحبه ظاهر شد. ژو و همکاران (۲۰۲۱) مفهوم «تنظیم‌گر-به‌مثابه-رقیب» را در اقتصادهای نوظهور مستند کردند الگویی که مستقیماً با تجربه مشارکت‌کنندگان پژوهش حاضر (P02, P08, P09) همخوانی دارد. تضاد سوم تعارض صلاحیتی بین‌وزارتخانه‌ای — که اسپیکل (۲۰۲۲) آن را «حاکمیت سیاستی پراکنده» نامیده، از دید سیاست‌گذار درون دولت (P13) نیز تأیید شد.

شبکه وابستگی نامتقارن: اجماع‌شده‌ترین یافته پژوهش (۱۸ از ۱۸ مصاحبه): در اکوسیستم ایران، «آشنایی شخصی» جایگزین سیستماتیک «نهاد رسمی» شده است. هانلین و باوم (۲۰۲۶) این را «نظم متقابل» نامیدند و نشان دادند در کوتاه‌مدت کارآمد اما در بلندمدت نهادسازی رسمی را کند می‌کند.

یافته نوآورانه این بخش، مفهوم «وابستگی متقابل پنهان» است: دولت ساختاراً به اقتصاد دیجیتال وابسته است — بیش از ۴۰ درصد اشتغال جدید بخش خصوصی از شرکت‌های فناوری‌محور (P13) — اما این وابستگی به رسمیت شناخته نمی‌شود. این شکاف «de facto/de jure»، که در ادبیات موجود نظریه‌پردازی نشده، توضیح می‌دهد چرا کارآفرینان از قدرت چانه‌زنی مشروع محروم هستند.

«دولت به اقتصاد دیجیتال وابسته است — برای مالیات، اشتغال، خدمات پایه. اما این وابستگی هرگز در استدلال سیاست حمایتی نمی‌آید. اگر این وابستگی پنهان مرئی شود، کارآفرینان قدرت چانه‌زنی واقعی پیدا می‌کنند.» (P06 — پژوهشگر اقتصاد نهادی)

نظم هنجاری ترکیبی: نظم هنجاری اکوسیستم ایران سه لایه دارد با قدرت نابرابر. قواعد رسمی ضعیف و بی‌ثبات‌اند: فقدان ابزار قراردادی استاندارد (Convertible Note, SAFE)، اجرای ضعیف حقوق مالکیت فکری، و شکاف قانون-اجرا (مقدسی و احمدوند، ۱۴۰۲). قواعد شبه‌رسمی در حال رشدند: شتاب‌دهنده‌ها، کمیته فین‌تک ۱۳۹۸، و کنسرسیوم‌های غیررسمی. قواعد غیررسمی قوی‌ترین لایه‌اند.

مهم‌ترین قاعده کارکردی غیررسمی — با اجماع ۱۸ از ۱۸ — «رابطه شخصی بر قرارداد کتبی» است. این «نظم جایگزین» در کوتاه‌مدت انعطاف ایجاد، اما یک «سقف مقیاس‌پذیری» تحمیل می‌کند: بالاتر از

آستانه‌ای مشخص، رشد بدون نهاد رسمی ممکن نیست (Baker, & Welter; Sarta, Durand & Vergne, 2021). (2024).

مکانیزم‌های ارتقای نهادی: بر اساس تحلیل پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان به سؤالات ۱۲ تا ۱۴ پروتکل مصاحبه، هشت مکانیزم نهادی شناسایی شد (جدول ۲). این مکانیزم‌ها در سه سطح توزیع می‌شوند: خرد (بدون نیاز به تغییر قانون)، میانی (نیاز به اصلاح آیین‌نامه)، و کلان (نیاز به قانون‌گذاری).

جدول ۳. چارچوب یکپارچه مکانیزم‌های ارتقای نهادی

Table 3. Integrated environment of institutional promotion mechanisms

#	مکانیزم	سطح	بعد کامونزی	همگرایی و شواهد
M1	استانداردسازی قراردادی	خرد	نظم (شبه‌رسمی)	۱۸/۹؛ الگو NVCA: آمریکا
M2	کمیته‌های مشترک دولت-خصوصی	خرد	تضاد (مدیریت)	۱۸/۹؛ سابقه موفق: کمیته فین‌تک ۱۳۹۸
M3	Sandbox قانونی	میانی	تضاد (ساختاری)	۱۸/۱۱ (بیشترین)؛ الگو FCA: انگلستان
M4	نهاد حل اختلاف تخصصی	میانی	نظم (رسمی)	۱۸/۸؛ -؛ Djankov et al (2003): ۳.۲٪ مرگ/۱۰۰ روز تأخیر
M5	پنجره واحد مجوز دیجیتال	میانی	نظم + تضاد	۱۸/۶؛ الگو UAE Digital Economy Authority
M6	دوره گذار اجباری بخشنامه	میانی	نظم (رسمی)	۱۸/۷؛ تجربه شکست P02
M7	مرئی‌سازی وابستگی دولت	کلان	وابستگی	۱۸/۵؛ پیوند با مفهوم «وابستگی پنهان»
M8	توسعه متوازن جغرافیایی	کلان	وابستگی	۱۸/۵؛ Busch & Moreno (2025)

موارد انحرافی و تحلیل منفی: تحلیل مضمونی بازتابی مستلزم گزارش موارد ناهمسو با الگوی غالب است. سه مورد انحرافی شناسایی شد: ۱. (P04)، تنها بنیان‌گذار حوزه سلامت دیجیتال، «بلا تکلیفی» را نه هزینه‌بر بلکه فرصت‌ساز توصیف کرد، چون در دوره تعلیق امکان آزمایش محصول در بازارهای همسایه فراهم می‌شد؛ ۲. (P15) پژوهشگر با سابقه مشاوره دولتی، وابستگی متقابل دولت را «کاملاً آگاهانه و راهبردی» دانست، نه پنهان؛ ۳. (P10)، مدیر شتاب‌دهنده در شیراز، سقف مقیاس‌پذیری ناشی از نظم غیررسمی را در اکوسیستم‌های منطقه‌ای کوچک‌تر کم‌اثرتر از تهران گزارش کرد. این موارد در تفسیر نهایی یافته‌ها (بخش ۵) به‌عنوان تعدیل‌کننده‌های زمینه‌ای لحاظ شدند، نه استثنای نادیده‌گرفته‌شده.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

یافته «بلا تکلیفی مزمن» به‌عنوان گران‌ترین نوع تضاد با آبایدو و آگیاپونگ (۲۰۰۳) و اسپینگل (۲۰۲۲) همخوانی دارد. اما بُعد جدیدی که پژوهش حاضر اضافه می‌کند این است که این بلا تکلیفی در ایران نه از «بدخواهی» بلکه از «تعارض صلاحیتی ساختاری» بین وزارت‌خانه‌ها ناشی می‌شود — تمایزی که پیامدهای سیاستی مهمی دارد: حل آن نه از طریق اصلاح یک قانون بلکه از طریق ایجاد یک مرجع هماهنگ‌کننده ممکن است.

یافته «وابستگی متقابل پنهان» مهم‌ترین نوآوری نظری این پژوهش است. آتیو، مودامبی و یو (۲۰۲۱)، توماس و ریتالا (۲۰۲۲)، و سوسان و آکر (۲۰۲۳) وابستگی را از دریچه استارت‌آپ به دولت تحلیل کرده‌اند. اما این پژوهش نشان می‌دهد «وابستگی پنهان» طرف قدرتمند (دولت) به طرف ضعیف‌تر (اکوسیستم) (که به

رسمیت شناخته نمی‌شود) در ادبیات نظریه‌پردازی نشده و برای درک محدودیت چانه‌زنی کارآفرینان ایرانی ضروری است. یافته «سقف مقیاس‌پذیری ناشی از نظم غیررسمی» بسط تجربی نظریه هانلین و باوم (۲۰۲۶) و ولتر و بیکر (۲۰۲۴) است. این پژوهش با داده‌های ۱۸ مصاحبه، «آستانه» را (نقطه‌ای که بالاتر از آن شبکه شخصی کافی نیست) برای اولین بار در یک اکوسیستم استارت‌آپی کشور در حال توسعه مستند کرده است. مدل «دام نهادی»: یافته‌های این پژوهش از وجود یک «دام نهادی» خودتقویت‌کننده حکایت دارند: تضاد حل‌نشده ← نظم غیررسمی جایگزین ← کاهش انگیزه برای اصلاح نهادی ← تضاد حل‌نشده باقی می‌ماند. مهاجرت نخبگان (با اجماع ۱۸/۱۸ مشارکت‌کننده) این چرخه را تسریع می‌کند. دوکیه و راپوپورت (۲۰۲۵) نشان دادند «فساد نهادی» قوی‌ترین پیش‌بین مهاجرت نخبگان است؛ قوی‌تر از شکاف درآمدی. پافر (۲۰۱۰) این را با «عدم قطعیت نهادی» دقیق‌تر کرد: کارآفرینان با شرایط بد کنار می‌آیند اما با غیرقابل‌پیش‌بینی نمی‌توانند.

بیرون آمدن از این دام نیازمند «مداخله چندنقطه‌ای» است. سارتا، دوراند و ورژن (۲۰۲۱) نشان دادند که تغییر یک لایه نهادی بدون دیگران اثر محدودی دارد. مکانیزم‌های پیشنهادی این پژوهش (M1 تا M8) دقیقاً با این اصل طراحی شده‌اند: هم‌زمان به قواعد رسمی، شبه‌رسمی و غیررسمی توجه دارند. فراوانی مضمون «بلا تکلیفی مزمن» در کدگذاری (۹۸ کد، معادل ۳۴.۶٪ از ۲۸۳ کد اولیه) با یافته کمی آبایدو و آگیاپونگ (۲۰۰۳)، که ابهام تنظیم‌گری را علت بخش عمده‌ای از تأخیر ورود به بازار در اقتصادهای نوظهور می‌دانند، هم‌راستاست. اجماع ۱۸ از ۱۸ مشارکت‌کننده درباره وابستگی متقابل پنهان، در کنار داده ثانویه انجمن سرمایه‌گذاری خطرپذیر ایران (۲۰۲۳) که سهم بیش از ۴۰ درصدی اشتغال بخش خصوصی فناوری‌محور را گزارش می‌کند، همگرایی داده‌های کیفی و کمی را نشان می‌دهد. با این همه، فراوانی کدگذاری شاخص اهمیت نظری است، نه شاخص تعمیم آماری؛ این محدودیت در بخش محدودیت‌های پژوهش (۶) بازتکرار می‌شود.

این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه تراکنشی کامونز (۱۹۳۴) و تحلیل مضمونی ۱۸ مصاحبه کیفی، سه نتیجه اصلی دارد. نخست، اکوسیستم استارت‌آپی ایران در یک «دام نهادی» گرفتار است که از تعامل سه آسیب‌شناسی هم‌زمان پدید آمده: تضادهای حل‌نشده، وابستگی‌های انکارشده، و نظم غیررسمی جایگزین. دوم، «وابستگی متقابل پنهان» دولت به اکوسیستم دیجیتال — که این پژوهش برای اولین بار مستند کرده — مهم‌ترین اهرم نظری برای ایجاد چانه‌زنی مشروع‌تر است. سوم، هشت مکانیزم ارتقا شناسایی شد که قابل اجرا در کوتاه‌مدت (M1، M2) تا بلندمدت (M7، M8) هستند.

این پژوهش پنج مشارکت نظری دارد: (۱) نخستین کاربرد نظام‌مند سه‌گانه کامونزی در اکوسیستم استارت‌آپی اقتصاد نوظهور؛ (۲) معرفی مفهوم «وابستگی متقابل پنهان» به ادبیات اکوسیستم؛ (۳) معرفی «سقف مقیاس‌پذیری» ناشی از نظم غیررسمی؛ (۴) بسط تایپولوژی بامول با «کارآفرینی انطباقی» به عنوان نوع چهارم؛ (۵) نقشه‌برداری تجربی دانه‌بندی‌شده از قواعد کارکردی ترکیبی در اکوسیستم ایران. محدودیت اصلی، تعمیم‌پذیری تحلیلی (نه آماری) یافته‌هاست. تحقیقات آینده می‌توانند این چارچوب را در مقایسه تطبیقی با اکوسیستم‌های منطقه MENA به کار گیرند، یا از طرح طولی برای ردیابی تکامل قواعد شبه‌رسمی استفاده کنند.

تعارض منافع: برای ارائه مطالب و نگارش این مقاله هیچ گونه کمک مالی از هیچ فرد، نهاد و سازمانی، دریافت نشده است و نتایج و دستاوردهای این مقاله به نفع یا ضرر سازمان یا فردی خاص نخواهد بود. حضور نویسندگان در این پژوهش به عنوان شاهدی بیطرف ولی متخصص بوده است و نویسندگان هیچ گونه تعارض منافی ندارند.

References

1. Kuckertz, A., & Brändle, L. (2022). Creative reconstruction: A structured literature review of the early empirical research on the COVID-19 crisis and entrepreneurship. *Management Review Quarterly*, 72(2), 281-307.
2. Sarta, A., Durand, R., & Vergne, J. P. (2021). Organizational adaptation. *Journal of management*, 47(1), 43-75.
3. Braun, V., & Clarke, V. (2022). Conceptual and design thinking for thematic analysis. *Qualitative psychology*, 9(1), 3.
4. Djankov, S., La Porta, R., Lopez-de-Silanes, F., & Shleifer, A. (2003). Courts. *Quarterly Journal of Economics*, 118(2), 453-517.
5. Dogan, A., & Birant, D. (2019, September). A weighted majority voting ensemble approach for classification. In *2019 4th international conference on computer science and engineering (UBMK)* (pp. 1-6). IEEE.
6. Abaidoo, R., & Agyapong, E. K. (2023). Regulatory policy uncertainty, banking industry innovations and financial development among emerging markets. *Journal of Financial Economic Policy*, 15(6), 613-627.
7. Autio, E., Mudambi, R., & Yoo, Y. (2021). Digitalization and globalization in a turbulent world: Centrifugal and centripetal forces. *Global Strategy Journal*, 11(1), 3-16.
8. Fischer, B., Torrecillas, C., Olivero-Tallaj, M., & Guerrero, M. (2022). Institutions and international entrepreneurship: the role of regulatory, normative and cognitive congruence.
9. Chavance, B. (2012). John Commons's organizational theory of institutions: a discussion. *Journal of Institutional Economics*, 8(1), 27-47.
10. Saunders, B., Sim, J., Kingstone, T., Baker, S., Waterfield, J., Bartlam, B., ... & Jinks, C. (2018). Saturation in qualitative research: exploring its conceptualization and operationalization. *Quality & quantity*, 52(4), 1893-1907.
11. Bhatt, S. (2025, September). The shifting geography of start-ups. *Finance & Development*, 62(3), 54-57. International Monetary Fund.
12. Xu, J., Li, Y., Feng, D., Wu, Z., & He, Y. (2021). Crowding in or crowding out? How local government debt influences corporate innovation for China. *PloS one*, 16(11), e0259452.
13. Commons, J. R. (1934). Institutional economics. *The American Economic Review*, 26(1), 237-249.
14. Isenberg, D. J. (2010). How to start an entrepreneurial revolution. *Harvard business review*, 88(6), 40-50.
15. Docquier, F., & Rapoport, H. (2025). The vicious circle of xenophobia: immigration and right wing populism. *Economic Policy*, 40(122), 551-573.
16. Hodgson, G. M. (2003). John R. Commons and the foundations of institutional economics. *Journal of Economic issues*, 37(3), 547-576.
17. GEM (Global Entrepreneurship Monitor). (2023). *Iran country profile*. GEM Consortium. HYPERLINK "https://www.gemconsortium.org/country-profile/71" <https://www.gemconsortium.org/country-profile/71>
18. Hähnlein, J., Baum, M., & Durst, C. (2026). Giving something back: how reciprocal motivation drives entrepreneurs to contribute to their entrepreneurial ecosystem. *Small Business Economics*, 66(1), 451-484.
19. IRVC. (۲۰۲۴). *Iran Innovation and Technology Ecosystem Financing Report*. Iranian Venture Capital Association. <https://irvc.ir/en>
20. Flanagan, J. C. (1954). The critical incident technique. *Psychological bulletin*, 51(4), 327.
21. Hull, J. C. (2021). Machine learning in business: An introduction to the world of data science. (No Title).
22. Creswell, J. W., & Poth, C. N. (2018). *Qualitative inquiry and research design: Choosing among five approaches*. Sage publications.
23. Henrekson, M., & Sanandaji, T. (2020). Measuring entrepreneurship: Do established metrics capture Schumpeterian entrepreneurship?. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 44(4), 733-760.
24. Patton, M. Q. (2015). *Qualitative research & evaluation methods: Integrating theory and*

- practice*. Sage publications.
25. North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge university press.
26. Commons, J. R. (2024). *Legal foundations of capitalism*. Routledge.
27. Takahashi, S. (2024). Realizing a Just World: John R. Commons' Development of the Concept of Transactions. *Journal of Economic Issues*, 58(4), 1176-1188.
28. Deng, S., & Min, X. (2013). Applied optimization in global efficient portfolio construction using earning forecasts. *The Journal of Investing*, 22(4), 104-114.
29. Spigel, B. (2022). Examining the cohesiveness and nestedness entrepreneurial ecosystems: Evidence from British FinTechs. *Small Business Economics*, 59(4), 1381-1399.
30. Stam, E. (۲۰۱۵). *Entrepreneurial ecosystems and regional policy: A sympathetic critique*. European Planning Studies, 23.(۹)
31. Blink, S. (2023). Global startup ecosystem index 2024. URL: <https://www.startupblink.com/startupecosystemreport>. (дата звернення 21.07. 2025).
32. Ács, Z., Szerb, L., & Apostol, S. (2023). Digital Entrepreneurship Ecosystem Index Report: The Danube Region.
33. Thomas, L. D., & Ritala, P. (2022). Ecosystem legitimacy emergence: A collective action view. *Journal of Management*, 48(3), 515-541.
34. V. Braun و V. Clarke. (۲۰۲۲). *Thematic Analysis: A Practical Guide*. London: SAGE Publications.
35. Veblen, T. (۱۸۹۹). *The Theory of the Leisure Class*. London, Macmillan.
36. Baumol, W. J. (1996). Entrepreneurship: Productive, unproductive, and destructive. *Journal of business venturing*, 11(1), 3-22.
37. Welter, F., & Baker, T. (2021). Moving contexts onto new roads: Clues from other disciplines. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 45(5), 1154-1175.
38. WIPO (2025). The effectiveness of the WIPO Global Innovation Index as an Innovation Indicator: Analysis of GII data for South Caucasus and Selected Latin American economies. *FEATURES AND PROBLEMS OF IMPLEMENTING ECONOMIC REFORMS IN AZERBAIJAN*, 2(2), 88-107.
39. Wurth, B., Stam, E., & Spigel, B. (2022). Toward an entrepreneurial ecosystem research program. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 46(3), 729-778.
40. Puffer, S. M., McCarthy, D. J., & Boisot, M. (2010). Entrepreneurship in Russia and China: The impact of formal institutional voids. *Entrepreneurship theory and practice*, 34(3), 441-467.
41. Lincoln, Y. S. (1985). Organizational theory and inquiry: The paradigm revolution. (No Title).
42. Sussan, F., & Acs, Z. J. (2017). The digital entrepreneurial ecosystem. *Small business economics*, 49(1), 55-73.